

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهلم 99/09/30

موضوع: اجتهاد و تقلید - خلافت و امامت، خلیفه و امام 3

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین  
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم  
على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

فرق ندبه و استغاثه در چیست؟

پاسخ:

ندبه گریه کردن و زاری کردن است، در کنار گریه کردن شاید استغاثه باشد و یا توسل باشد، فرقی نمی‌کند،  
استغاثه، طلب غوث از طرف مقابل است مستقیماً.

«يَا أَبَا الْعَوْثِ أَعِثْنِي»

استغاثه طلب حاجت از امام به صورت مستقیم است، نه به صورت واسطه. در مورد:

(يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

ای پدر برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم.

سوره یوسف (12): آیه 97

«هو من طلب الدعاء من الحي القادر عليه، فقولهم: (استغفر)؛ أي اطلب المغفرة لنا، وما قالوا: اغفر

لنا»

در رابطه با این قضیه برادران حضرت یوسف که پدر و برادرشان را آنطور اذیت کرده بودند ، احساس کردند که گناه بسیار بزرگی در برابر خدای عالم مرتکب شده اند، از پدرشان می‌خواهند که او از خدا بخواهد که مورد عفو الهی قرار گیرند. در حقیقت آن توسل است نه استغاثه!

نگفتند: «اغفرلنا» پدر ما را ببخش، بلکه گفتند از خدا بخواه ما را ببخشد. وهابی ها اصلا خواندن و دعاء غیر الله را شرک می دانند.

البته دعاء غیر الله، متفاوت از حاجت خواستن از غیر الله است، و دو مسئله است، یکبار می‌گوییم یا محمد (صلی الله علیه و اله وسلم) اقض حاجتی، یکبار هم می‌گوییم یا محمد، کلا هر نوع دعاء غیر الله را وهابی ها شرک می‌دانند، و یک نوع بت پرستی می پندارند.

### پرسش:؟

حرمی در «مصر» منسوب به حضرت زینب (سلام الله علیها) است، چه مقدار صحت دارد؟

### پاسخ:

مردم «مصر» معتقد هستند که حضرت زینب سلام الله علیها در «مصر» از دنیا رفته اند و مرقد مطهرشان هم در آنجا است؛ ولی آنچه که پشتوانه تاریخی و روایی هم دارد و مشهور است در دمشق است و سیره علمای سلف شیعه هم بر این مستقر بوده.

می‌گویند یکی از علما تصمیم گرفته بود کتابی بنویسد و در آنجا اثبات کند که قبر مطهر حضرت زینت سلام الله علیها مثلا در شام هست. شب خواب می‌بیند حضرت زینب به او اعتراض می‌کنند که مگر شما حسود هستید در دو جا مرا زیارت کنند؟! شما چه کار به این کارها دارید؟ هم آنجا می‌آیند مرا زیارت می‌کنند سلام می‌دهند هم در شام به من سلام می‌دهند. این عالم صبح بلند شد همه اوراقی که نوشته بود را پاره کرد و گذاشت کنار. حالا در دو جا، سه جا یا ده جا حضرت را زیارت کردن ، اینها به اذن الله تبارک و تعالی محیط به عالم هستند در هر کجا شما صدا بزنید اهل بیت علیهم السلام به اذن الله تبارک و تعالی می‌شنوند.

پرسش:

در «اصول کافی» روایتی است: عن أبي عبد الله - عليه السلام - في قول الله - تعالى -: **وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ** (الآية) فقال: قال رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - لعليّ - عليه السلام -: هم شيعةك، فسلم ولدك منهم أن يقتلوهم.

نام کتاب: الکافی (ط - الإسلامية) - نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب (م 329 ق) - محقق / مصحح:

غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد - ناشر: دار الکتب الإسلامية - ج 8 ، ص 260

وهابی‌ها این را ذکر می‌کنند و می‌گویند قاتل اهل بیت شیعیان هستند.

پاسخ:

«إن كان المتوفى من أصحاب اليمين فحاله ظاهر في السعادة، لأنه كان بحيث سلم أهل بيتك من يده و لسانه و كان معاوناً لهم»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حقق / مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر: دار الکتب الإسلامية، ج 26، ص 250

اینکه ربطی ندارد که «وهابی»ها بخواهند این را ملاک قرار بدهند، این روایت که به نفع شیعه است:

می‌فرماید: فرزندان تو از دست شیعه تو، سالم و در امانند و به قتل نمی‌رسند.

مرحوم «علامه مجلسی» تاویل دیگری می‌گوید :

«فسلام لك إنك من أصحاب اليمين...فسلام لك منهم في الجنة لأنهم يكونون معك...»

تا آنجایی که می‌گوید:

«أقول: على تفسيره عليه السلام يحتمل أن يكون ذكر خصوص القتل على سبيل المثال، فيكون المعنى حينئذ أنه إن كان المتوفى من أصحاب اليمين فحاله ظاهر في السعادة، لأنه كان بحيث سلم أهل بيتك من يده ولسانه و كان معاوناً لهم فأقيم علة الجزاء مقامه»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حقق /

مصحح: رسولى محلاتى، هاشم، ناشر: دار الكتب الإسلامية، ج26، ص250

روایت هم البته ضعیف است.

«الحديث الثالث و السبعون و الثلاثمائة: مرسل بل ضعيف بالنهدي على المشهور»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حقق /

مصحح: رسولى محلاتى، هاشم، ناشر: دار الكتب الإسلامية، ج26، ص249

پرسش:

آيا سر مطهر امام حسين عليه السلام به بدن مقدس شان برگشت؟

پاسخ:

آنچه که به ذهنم می‌رسد روایات صحیح هم تأیید می‌کند، اهل بیت (علیهم السلام) سر مطهر شهداء، مخصوصاً سر مطهر حضرت سید الشهداء (سلام الله علیه) را آوردند و به بدن‌هایشان در «کربلا» ملحق کردند.

آغاز بحث...

ما ولایت را معنا کردیم که مراد از ولایت، «تولی الامر» است. ابوبکر می‌گوید:

«فلما تُوفِّيَ رسولُ اللَّهِ أنا وليُّ رسولِ اللَّهِ»

صحیح مسلم بشرح النووی؛ اسم المؤلف: أبو زکریا یحیی بن شرف بن مری النووی الوفاة: 676، دار  
النشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت - 1392، الطبعة: الطبعة الثانية، ج 5، ص 152، ح 4468

یعنی: «أنا متولى الامر بعد رسول الله!»

«الولاية تُشعر بالتدبير و القدرة و الفعل»

لسان العرب؛ اسم المؤلف: محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري الوفاة: 711، دار النشر: دار  
صادر - بیروت، الطبعة: الأولى، ج 15، ص 407

«ولى الیتیم» هم به همین شکل است. معنای اصطلاحی همین است.

در قضیه «حدیث غدیر» متأسفانه ما فقط یک روایت از «حدیث غدیر» را حفظ داریم و آن هم:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ «

کمال الدین و تمام النعمة؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر:  
اسلامیه، ج 1، ص 276

است و عبارت‌های دیگر را توجه نداریم. مثلاً «صحیح سنن ابن ماجه» که «ناصر الدین البانی» تحقیق کرده،  
تعبیرش این است:

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا بَلَىٰ»

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ قَالُوا بَلَىٰ»

«فَهَذَا وَلِيُّ مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَآلَهُ اللَّهُمَّ عَادِ مَنْ عَادَاهُ»

[حکم الألبانی]

صحیح

الكتاب: سنن ابن ماجه- المؤلف: ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، وماجة اسم أبيه يزيد (المتوفى: 273هـ)- تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي- الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي. ج 1 ، ص 43

روایت را البانی تصحیح کرده.

البته در «سلسلهٔ الأحاديث الصحيحة» ذیل بررسی حدیث 1750 ، چنین می گوید:

ورجاله ثقات رجال مسلم غير علي بن يزيد وهو ابن جدعان، وهو ضعيف.

الكتاب: سلسله الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها- المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ)- الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض. ج 4 ، ص 341

همچنین «ابن كثير دمشقي» هم در كلمات خلفاء مثلاً ابوبكر، وقتی که می خواهد خلافت را به عهده بگیرد، می آورد:

«فأني قد وليت عليكم ولست بخيركم»

گذشته از اعترافی که می کند : «لست بخيركم» ، می گوید: «وليت عليكم»؛ من ولی امر شما شدم، من متولی تدبیر امر شما شدم و روایتش هم صحیح است.

«وهذا إسناد صحيح»

البته برای موجه سازی آن اعتراف، می گوید:

«وليتكم ولست بخيركم - من باب الهضم والتواضع فإنهم مجتمعون على أنه أفضلهم وخيرهم رضي الله عنهم»

البداية والنهاية؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة: 774، دار النشر:

مكتبة المعارف - بيروت، ج 5، ص 248

ابوبکر می‌گوید «لست بخیرکم». یا راست می‌گوید یا دروغ ، اگر راست می‌گوید که هیچ ، اگر هم دروغ می‌گوید که آدم دروغگو نمی‌تواند خلیفه باشد.

و هنگام مرگش هم در درباره عمر ، به امرای ارتش می‌نویسد:

«وَلَيْتُ عَلَيْكُمْ عَمْرَ»

عمر را من ولی امر شما قرار دادم.

«وَكُتِبَ إِلَيَّ أَمْرُ الْأَجْنَادِ : وَلَيْتُ عَلَيْكُمْ عَمْرَ وَلَمْ آلُ نَفْسِي وَلَا الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا ، ثُمَّ مَاتَ وَدُفِنَ لَيْلًا»

معجم جامع الأصول في أحاديث الرسول؛ اسم المؤلف: المبارك بن محمد ابن الأثير الجزري الوفاة:

544، دار النشر: ج4، ص109

در «صحيح مسلم»، ابوبکر می‌گوید:

«فلما تُوفِّيَ رسول الله قال أبو بكرٍ أنا وليُّ رسول الله»

نمی‌گوید «انا خلیفه رسول الله». عمر هم می‌گوید:

«ثُمَّ تُوفِّيَ أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَوَلِيُّ أَبِي بَكْرٍ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي؛ ج3، ص 1377، ح 1757

ابوبکر خودش می‌گفت پیغمبر، خلیفه معین نکرده؛ ولی خودش خلیفه معین کرد. مبانی خودش را هم بهم

می‌زدند:

عمر می‌گوید:

«لو كان سالم مولى أبي حذيفة حيًّا لوليتَه»

تفسير البحر المحيط؛ اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي الوفاة: 745هـ  
دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1422هـ - 2001م، الطبعة : الأولى، تحقيق: الشيخ  
عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق (1) د.زكريا عبد المجيد  
النوقي (2) د.أحمد النجولي الجمل، ج 4، ص 314

و حال آنکه:

وَيُسْتَرْتَبُّ عِنْدَ جُمْهُورِ الْفُقَهَاءِ أَنْ يَكُونَ الْإِمَامُ قُرَشِيًّا لِحَدِيثِ: الْأُيْمَةُ مِنْ قُرَيْشٍ وَخَالَفَ فِي ذَلِكَ  
بَعْضُ الْعُلَمَاءِ مِنْهُمْ أَبُو بَكْرٍ الْبَاقِلَانِيُّ، وَاحْتَجُّوا بِقَوْلِ عُمَرَ: لَوْ كَانَ سَالِمٌ مَوْلَى أَبِي حُدَيْفَةَ حَيًّا لَوَلَّيْتُهُ،  
وَلَا يُسْتَرْتَبُّ أَنْ يَكُونَ هَاشِمِيًّا وَلَا عَلَوِيًّا بِاتِّفَاقِ فُقَهَاءِ الْمَذَاهِبِ الْأَرْبَعَةِ، لِأَنَّ الثَّلَاثَةَ الْأُولَى مِنَ  
الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ لَمْ يَكُونُوا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَلَمْ يَطْعَنَّ أَحَدٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي خِلَافَتِهِمْ، فَكَانَ ذَلِكَ  
إِجْمَاعًا فِي عَصْرِ الصَّحَابَةِ.

الكتاب: الموسوعة الفقهية الكويتية- صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت

ج 6 ، ص 219

اگر «سالم» غلام «ابو حذيفه» زنده بود من او را ولی امر شما قرار می‌دادم.

سالم جزء «قریش» هم نبود، در «سقیفه بنی ساعده» اگر خلافت را از دست «انصار» گرفتند به استناد  
«الإمامة فی قریش» گرفتند! و آنها را کنار زدند، حالا چطور شده که عمر می‌گوید اگر «سالم» غلام «ابو  
حذیفه» زنده بود، من او را خلیفه شما قرار می‌دادم؟!

حتى بعضی از اینها، حدیث بخاری را بخاطر تصحیح فعل ابوبکر و عمر، کنار گذاشته اند.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ، سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ سَمُرَةَ، قَالَ:  
سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا»، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي:  
إِنَّهُ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»



الكتاب: الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه =  
صحيح البخاري- المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن  
ناصر الناصر

الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)- ج 9 ،  
ص 81

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنْ حُصَيْنٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: ح وَحَدَّثَنَا رِفَاعَةُ بْنُ الْهَيْثَمِ الْوَاسِطِيُّ، وَاللَّفْظُ لَهُ، حَدَّثَنَا خَالِدٌ يَعْنِي ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ  
الطَّحَّانَ، عَنْ حُصَيْنٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،  
فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»، قَالَ: ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ  
خَفِيَ عَلَيَّ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»

الكتاب: المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ)- المحقق: محمد  
فؤاد عبد الباقي- الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت . ج 3 ، ص 1452

اينها نمونه هايي از استعمال كلمه ولي ، توسط پيغمبر و بعضی ديگر در زمان ايشان است. كلمه ولي در  
تمام اين موارد به معنای ولي امر، اخذ شده است.

از همه عزيزان التماس دعا داريم موفق و مؤيد باشيد خدا حافظ همه عزيزان! جزاكم الله خيرا ان شاء الله.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»